

نقدی بر فیلم دختر ناشناخته روایت حاشیه‌ای و بی‌شور و هیجان از برادران داردن^۱

پی‌تر برادشاو. گاردین. ۱۸/می/۲۰۱۶
مترجم: آرشی حسن‌پور^۲

برادران داردن برنده‌ی دو نخل طلا در جشنواره‌ی کن هستند و اخیراً نیز بخاطر درام‌های رئالیستی اجتماعی تند و تیز و تکان‌دهنده شهرت و آوازه یافته‌اند. هر کاری که آنان انجام می‌دهند از روی علقه و دلیل (خاصی) است و آخرین اثرشان فیلم دختر ناشناخته نیز واجد لحظات روشن‌بینانه و بارقه‌هایی از هوشمندی و فراست است. اما این بهترین اثرشان نیست و بسیار از جایگاه رفیع فیلم دو روز و یک‌شب (۲۰۱۴) و تصاویر سرسام‌آورش از محیط‌کار، فاصله دارد. دختر ناشناخته راجع به فردی عجیب، و به لحاظ دارماتیک تصنعی است که در شبه‌فرایندی بدون شور و هیجان پیگیر و دلمشغول مرگی مرموز است؛ این امر بخاطر مجموعه‌ای از موارد نامتقاعدکننده و در واقع خط داستانی نامعقول، مَهمل، قصه‌ی معشوش و بازی و اجرای بی‌روح ادل هانیل است که بارقه‌های فکری معمول‌اش بخاطر خودآگاهی فردی، فروکش کرده و به خاموشی می‌گراید.

هانیل در نقش جنی دیوین ایفای نقش می‌کند. پزشکی جوان، آرمانگر و درخشان در لی‌یژ که از شغل با منزلت پزشکی تخصصی امتناع کرده تا فعالیت درمانی را برای بیماران بهزیستی در منطقه شروع نماید. در یک بعد از ظهر شلوغ و پراسترس در کلینیک، جنی معمولاً آراسته و وظیفه‌شناس خود را به زحمت نمی‌اندازد تا به تلفن‌های راهروی بیرونی پاسخ دهد چون او با وضعیت بغرنج کارآموزش (جولین: اولیویر بوناود) مواجه است که با ترش‌رویی از پاسخگویی به درخواست‌های جنی یا برتافتن زخم‌زبان‌های‌اش خودداری می‌کند. جنی سپس توسط پلیس مطلع می‌شود که فردی تماس گیرنده زنی آفریقایی جوان و بی‌نام و نشانی بوده که از کمک‌رسانی جنی ناامید شده و بعداً جسد مرده‌اش یافته می‌شود، در نتیجه آزرده و رنجور می‌گردد.

بخاطر این احساس گناه، جنی از این لحظه به بعد ماموریتی را کلید می‌زند تا بفهمد این زن که بوده است، از خانواده‌اش اطلاع پیدا کند یا دست به هر کاری می‌زند تا وجدانش را تسکین دهد. بررسی‌ها و جستجوهای‌اش او را به تماس با بسیاری افراد محلی و دو نفر از بازی‌گران همیشه‌ی برادران داردن یعنی اولیویر گورمه و جرمی رنوار می‌کشاند و معلوم می‌شود که چرایی این رخداد پیچیده‌تر و فراگیرتر از آن چیزی است که در وهله‌ی اول به نظر می‌رسید.

^۱ برای خواندن متن اصلی به لینک زیر رجوع کنید:

<http://www.theguardian.com/film/2016/may/18/the-unknown-girl-review-dardennes-brothers-cannes-2016>

^۲ ادرس پروفایل دبیر جامعه‌شناسی و هنر: hasanpour.academyhonar.com

مضمون بررسی و اکتشاف قصور جمعی یک مجاز دیرپا از زمان نمایشنامه جان بوینتن پرستلی با عنوان «بازپرسی زنگ می‌زند»، است و در واقع برادران داردن می‌توانستند با طنز و بذله‌گویی بگویند که یک کارگاه- پزشک خلق کرده - می‌نمی‌توانم فکر کنم که هیچ شخص دیگری مانند آنان می‌توانست در معنای آماتوری شرلوک هلمزی چنین چیزی خلق کند- که بطور سنتی از دست پلیس‌ها عصبانی است. در اینجا بازپرسی خشمگین به نام بن حامود (بن حامیدو) حاضر است که آرزو می‌کند جنی پای‌اش را از این ماجرا بیرون بکشد. جنی گواهینامه‌ی رانندگی در آن منطقه را دارد و بنابراین می‌گردد، تماس‌های خانگی برقرار می‌کند و پرسش‌های‌اش را مطرح می‌کند. وراى همه این ماجراها، پزشک مانند بازپرس‌های دادگاه است که دنبال سرنخ‌ها و شواهد تشخیص‌گر می‌گردد. در اینجا صحنه‌ای هوشمندانه وجود دارد؛ جایی که جنی در حال سبک و سنگین کردن صداقت و راستی است؛ سوالات کلیدی می‌پرسد و در عین حال دارد شواهد و قرائن را دریافت می‌کند. با این وجود، یک درام جنایی و سرراست باید بیش از اینکه دکتر دیوین قضیه را کشف می‌کند و ماجراهای بعدی اتفاق می‌افتد، باورپذیر باشد و ضرباهنگ دراماتیک داشته باشد.

مسئله این است که شخصیت محوری خود مبهوت و بی‌روح بوده و به نظر می‌رسد هانیل در نقش جنی به لحاظ درونی خود را به نمایش در برابر دوربین ملتزم و درگیر نمی‌داند و پیشرفتی در بازی او به چشم نمی‌خورد. او بوسيله‌ی برخی، تهدید و مرعوب شده و توسط برخی افراد دیگر مورد اقبال و دلداری قرار می‌گیرد. همچنین صحنه‌ای عاشقانه در فیلم وجود دارد جایی که پسر بچه‌ی سرطانی در تخت‌اش برای جنی آواز می‌خواند. مورد دیگر وقتی است که جنی به بیمار دیابتی فنجان قهوه می‌نوشد. او همیشه غذا تهیه می‌کرد تا با او به خانه ببرد. برادران داردن صحنه‌ای آکنده از سرخوشی و مهربانی در فیلم پدید آورده‌اند آنجا که یکی از بیماران یک قرص نان پتونه را برای جنی به بیرون پرتاب کرده اما در این موقعیت نیز تمرکز بر جنی و مأموریت اوست. در اینجا بازی او بی‌عاطفه و سرد و شبیه پلیس‌های بی‌تألم و درد است. صحنه‌ی گره‌گشایی پایانی نیز صراحتاً بیش از حد پر ملات و لعاب است. برای مخاطبانی که از میزان شور و علاقه بکار گرفته شده داردن‌ها و خود هانیل در دیگر شرایط و موقعیت‌ها، اطلاع و آگاهی دارند، این امر مأیوس‌کننده است.

رابطه جنی و جولین بهترین موضوع در مورد فیلم است. در آغاز فیلم برخی موارد مبهم به‌صورت چشمگیر وجود دارد. نبرد تراژیک و مرگباری که آن دو در ابتدای فیلم دارند و گفتگوهای که بعداً بین آنها پیش می‌آید. اما این رابطه در فیلم در حاشیه باقی می‌ماند. هر شخصی که به برادران داردن و آنچه بواسطه‌ی فیلم‌های سینمایی آنان حاصل شده، اهمیت دهد، علاقمند خواهد بود که این فیلم را ببیند و تصمیم خودش را راجع به فیلم بگیرد. حتی قضاوت‌های اشتباه آنان هم جذاب خواهد بود.